

روستایی مریخی نزدیک تهران

بهورد روستایی با طبیعت زیبا و یکی از شکارگاه‌های مهم ایوانکی است

مهلا داریان / دبیر سرزمین من

روستا را نقاشی کرده بود. خانه‌هایی کاهگلی و دره‌های چوبی کلون دار حس و حالی خاص به فضای آنجا داده بود. روستا در گودی دره‌ای قرار دارد و دورتادور آن را تپه‌ماهورهایی مریخی احاطه کرده است. داخل روستا شدید چرخی در آن زدیم، اما از مردم روستا خبری نبود و تنها صدای زنگوله بزهایی روی تپه‌ماهورهای اطراف به گوش می‌رسید. می‌گویند اهالی روستا هوا که سرد می‌شود و انارها را از درخت‌ها می‌چینند به سمت شهر ایوانکی عزیمت می‌کنند و زمستان را در شهر می‌گذرانند. بخشی از جمعیت بهورد کسانی هستند که از مشهد به این منطقه مهاجرت کرده‌اند و تعدادی هم از لرستان به این روستا آمده‌اند و حتی عده‌ای پیشینه‌ای کرمانی دارند، اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد تمامی آنها کسانی هستند که روزگاری در دوران حکومت زند، افشار و قاجار و به‌علل مختلف از مکان زندگی اصلی خود به این منطقه کوچانده یا تبعید شده‌اند.

روستای بهورد اثر تاریخی مشخصی ندارد و تنها حمامی قدیمی داشته که سال‌ها قبل تخریب و مجدداً نوسازی شده است.

توصیه

اگر قصد سفر به روستای بهورد را دارید، بهتر است بهار و تابستان که هوا خوب است به این منطقه سفر کنید؛ البته پاییز هم فصل خریدن انارهای خوشمزه این منطقه است و می‌توانید با یک سفر یک‌روزه هم از جاذبه‌های طبیعی روستا دیدن کنید و هم انار بخرید؛ البته بهتر است تجهیزات لازم و کافی چون غذا و آب به همراه داشته باشید؛ چون داخل روستا مغازه‌ای برای خرید پیدا نمی‌کنید.

اطراف بهورد و این خود موجب رها کردن روستا و خالی شدن آن در سال‌های آتی خواهد شد.

چندپه‌پر از سکوت بود. نسیم خنکی می‌وزید و مردی مشغول شخم زدن باغچه‌های کوچک بود که آدرس بهورد را ازش پرسیدیم. مسیر روستای بهورد جاده‌ای است خاکی، اما بسیار صاف که با گازوئیل و روغن سوخته جلایش داده‌اند؛ نه خاکی بلند می‌شود و نه دست‌اندازی دارد.

همان ابتدای راه از دیدن منظره بکر و دست‌نخورده سیاره‌ای که روی آن قدم گذاشته بودیم شگفت‌زده شدیم. کوه‌های مریخی سرتاسر مسیر همراهان بودند و تنها صدای لاستیک ماشین روی جاده تیغ انداخته شنیده می‌شد و بوی گازوئیل از پنجره به مشام می‌رسید.

از دور تپه‌ای را دیدیم که اهالی منطقه اسم آن را تپه شترخوار گذاشته‌اند. اهالی روستا می‌گویند گنجی داخل این تپه پنهان است و این همان علت وجود حفاری‌های زیادی است که در سرتاسر تپه دیده می‌شود که در نهایت بررسی باستان‌شناسان نشان داده این تپه محل خوابیدن و استراحت چوپانان از گذشته‌های دور تاکنون بوده و آثار سفال یافت شده در آنجا هم ناشی از همان اسکان موقت آنها بوده است. حدود ۷ کیلومتر جاده خاکی را طی کردیم و به ابتدای روستای بهورد رسیدیم. باغ‌های رنگارنگ انار ورودی

ایوانکی شهری است که با تمدن پیش از تاریخ شروع می‌شود. با عبور جاده ابریشم بعد از پاکدشت و شریف‌آباد با شروع دشت‌های خیال‌انگیز و بعد از تپه‌های قرمز رنگ به روستایی مریخی که انگار در سیاره‌ای دیگر قرار دارد.

حدود ۳۰ کیلومتر مانده به ایوانکی باید به سمت روستای چنداب تغییر مسیر می‌دادیم تا از آنجا به روستای بهورد برویم. چنداب دشت همواری است که اطراف آن را تپه‌ماهورهایی عجیب و غریب احاطه کرده‌اند. در شرق روستا رودخانه‌ای قرار دارد که فقط وقتی باران می‌آید سیلاب‌ها را از کوه قره‌آقاج که در جنوب دماوند است به دشت ایوانکی هدایت می‌کند.

هرچند که بقایای معماری و ابنیه روستا حکایت از آن دارد که قدمت این روستا به ۶۰ یا ۷۰ سال پیشتر نمی‌رسد، اما وجود تپه‌ها و محوطه‌های باستانی مانند قبرستان زرتشتیان نشان‌دهنده قدمت هزاران ساله این منطقه است.

چنداب بزرگ‌ترین روستای ایوانکی بعد از روستای چشمه نادی و جمعیت آن حدود ۱۰۰ خانوار است که به‌کار کشاورزی و دامداری مشغول هستند، اما در مجموع وضعیت اقتصادی روستا خوب نیست. این روستا فقط یک مدرسه ابتدایی دارد و اگر دانش‌آموزی بخواهد در مقاطع بالاتر تحصیل کند به ناچار باید به شهرهای



روستای بهورد - ۳۰ کیلومتری ایوانکی